

# روح الإيمان وروح القدس:

## روح ایمان و روح القدس

السماء الدنيا تشمل:

آسمان دنیا از دو قسمت تشکیل شده است:

السماء الجسمانية (وقد تسمى الأرض مقارنة بالسموات الأخرى).

- آسمان جسمانی، که در مقایسه با آسمان‌های دیگر، زمین نامیده می‌شود.

والسماء الأولى وهي ملكوت السماء الجسمانية المرتبط بها ارتباطاً مباشراً وهو ارتباط تدبير وتسيير.

- آسمان اول، همان ملکوت آسمان جسمانی است که با آن ارتباط مستقیمی

دارد و با آن رابطه‌ی اداره کردن و به جریان انداختن را دارد.

وفي السماء الأولى مراتب كثيرة، ونفس أي إنسان موجودة فيها بحسب مقامها ومرتبته، فالنفس المقتصر وجودها على أدنى مراتب هذه السماء حظها هو ادراك ظاهر ما في هذا العالم الجسماني في هذه الحياة الدنيا، (يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِّنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ) [الروم: 7].

در آسمان اول، مراتب بسیاری وجود دارد، و نفس هر انسانی بر حسب مقام و مرتبه، در آن وجود دارد. نفسی که وجودش در پایین‌ترین مرتبه‌های این آسمان قرار دارد، بهره‌اش تنها درک ظاهر عالم جسمانی در این زندگی دنیاست. «از زندگی دنیا ظاهری را می‌شناسند و حال آن که آنان از آخرت غافلند» [817].

والنفس التي ترتقي إلى أعلى مرتبة في هذه السماء؛ تكون قد تهيأت لترتقي إلى السماء الملكوتية الثانية، وهي أول الجنان الملكوتية، ومن كان له حظ فيها يكون من أهل الجنة في الآخرة.

نفسی که به بالاترین مرتبه در این آسمان ارتقاء پیدا کرده، آماده شده است تا به آسمان دوم ملکوتی صعود کند و این اولین بهشت از بهشت‌های ملکوتی است. و فردی که بهره‌ای در آن دارد، در آخرت اهل بهشت است.

والنفس الإنسانية إذا ارتقت إلى أدنى مرتبة في السماء الملكوتية الثانية؛ يقترن بها ويكون فيها روح الإيمان أي أنّ حقيقة هذه النفس تتبدل وتتغير بتجلي نور الإيمان فيها، وهكذا نفس يكون فيها أربع أرواح هي: (روح الحياة، وروح القوة، وروح الشهوة، وروح الإيمان).

وقتی نفس انسانی به پایین‌ترین مرتبه در آسمان دوم ملکوتی ارتقاء یابد، با آن همراه می‌شود و دارای روح ایمان می‌گردد. یعنی حقیقت این نفس، با تجلی نور ایمان در آن تبدیل و تغییر می‌یابد؛ و در چنین نفسی چهار روح می‌باشد که عبارتند از: روح حیات، روح قوت، روح شهوت و روح ایمان.

وروح الإيمان مراتب كثيرة تمتد من أول السماء الثانية حتى نهاية السماء السادسة، وكل إنسان مؤمن بحسب عمله وإخلاصه يكون مقامه في هذه السماوات ويكون روح إيمانه.

روح ایمان مراتب بسیاری دارد که از اول آسمان دوم تا انتهای آسمان ششم کشیده می‌شود. و هر انسان مؤمنی بر اساس عمل و اخلاصش، مقامش در این آسمان‌هاست و روح ایمان در این آسمان‌ها با وی همراه می‌باشد.

ثم إنّ النفس إذا ارتقت إلى أدنى مرتبة في السماء السابعة؛ يقترن بها ويكون فيها روح القدس، وكلما ارتقت النفس أكثر كان روح القدس المقترن بها أعظم. وهذه السماء السابعة هي سماء العقل، فكلما كان روح القدس في النفس المرتقية إلى هذه السماء أعظم كان العقل أفضل وأكبر، وكما بيّنت فيما مضى في "المتشابهات"؛ أنّ أدنى مراتب العقل تبدأ من هذه السماء السابعة الكلية، أما ما دونها وحتى في السماء السادسة الملكوتية فهو ظل العقل وليس بعقل.

سپس اگر نفس به پایین ترین مرتبه از آسمان هفتم ارتقاء یابد، روح القدس با او همراه می شود و در او خواهد بود. و هر مقداری که نفس، بیشتر ارتقاء یابد، روح القدس که همراه اوست عظیم تر خواهد بود. این آسمان هفتم، آسمان عقل است. هر مقدار که روح القدس در نفس ارتقاء کننده به این آسمان عظیم تر باشد، عقل برتر و بزرگ تر است؛ و همان طور که در کتاب «متشابهات» بیان نمودم، پایین ترین مرتبه های عقل، از این آسمان هفتم کلی آغاز می شود. اما در مراتب پایین تر، حتی در آسمان ششم ملکوتی، تنها سایه ای از عقل وجود دارد.

**وهكذا مع ارتقاء النفس تتغير وتتبدل حقيقتها، فمع دخولها السماء الملكوتية الثانية يقترن بها روح الإيمان ويبدأ ظل العقل يتوجه إلى نور العقل.**  
این چنین است که با ارتقاء نفس، حقیقت آن تبدیل و تغییر پیدا می کند. با ورود آن به آسمان ملکوتی دوم، روح ایمان با آن همراه می شود و سایه ای عقل شروع به رو نمودن به نور عقل می کند.

**ومع دخولها السماء السابعة يقترن بها روح القدس والعقل، ولا يبعث نبي من الأنبياء (عليهم السلام) حتى يكون له مقام في السماء السابعة الكلية، وبهذا يكون قد استكمل العقل الذي هو سبب للعصمة، وأيضاً اقترن بنفسه روح القدس.**  
با ورود نفس به آسمان هفتم، روح القدس و عقل با آن همراه می شود. پیامبری از پیامبران (ع) بر انگیزته نمی شود، مگر این که در آسمان هفتم کلی، مقامی داشته باشد و به این ترتیب، عقلی که موجب عصمت است، کامل می شود. همچنین روح القدس با او همراه می شود.

**«قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله): مَا قَسَمَ اللَّهُ لِلْعِبَادِ شَيْئاً أَفْضَلَ مِنَ الْعَقْلِ فَتَوْمُ الْعَاقِلِ أَفْضَلُ مِنْ سَهْرِ الْجَاهِلِ وَإِقَامَةُ الْعَاقِلِ أَفْضَلُ مِنْ شُحُوصِ الْجَاهِلِ وَلَا بَعَثَ اللَّهُ**

نَبِيًّا وَلَا رَسُولًا حَتَّى يَسْتَكْمَلَ الْعَقْلَ وَيَكُونَ عَقْلُهُ أَفْضَلَ مِنْ جَمِيعِ عُقُولِ أُمَّتِهِ وَمَا يُضْمِرُ النَّبِيُّ (صلى الله عليه وآله) فِي نَفْسِهِ أَفْضَلَ مِنْ اجْتِهَادِ الْمُجْتَهِدِينَ وَمَا أَدَّى الْعَبْدُ فَرَائِضَ اللَّهِ حَتَّى عَقَلَ عَنْهُ وَلَا بَلَغَ جَمِيعُ الْعَابِدِينَ فِي فَضْلِ عِبَادَتِهِمْ مَا بَلَغَ الْعَاقِلُ وَالْعُقَلَاءُ هُمْ أَوْلُو الْأَبَابِ الَّذِينَ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: "وَمَا يَتَذَكَّرُ إِلَّا أَوْلُو الْأَبَابِ" « [818].

رسول الله (ص) فرمود: (خداوند چیزی برتر از عقل برای بندگان تقسیم نکرده است. خواب عاقل بهتر از سحرخیزی نادان است و در خانه ماندن عاقل بهتر از بیرون رفتن نادان است. خداوند پیامبر و فرستاده‌ای را بر نمی‌انگیزد، مگر این که عقل او کامل شود و عقل او برتر از همه‌ی عقل‌های امتش شود و آن چه پیامبر (ص) در درونش دارد، از تلاش کوشش‌کنندگان برتر است و تا بنده‌ای نسبت به واجبات خداوند تعقل نرزد، آن را انجام نداده است و همه‌ی عبادت‌کنندگان در فضیلت عبادت خود به چیزی که عاقل و عاقلان رسیده‌اند، نرسیدند. آنان صاحبان خرد هستند که خداوند متعال در مورد آنان فرمود: «و جز خردمندان کسی متذکر نمی‌شود».) [819]

[817]. قرآن کریم، سوره‌ی روم، آیه‌ی ۷.

[818]. الکافی - الکلینی: ج 1 ص 12.

[819]. کافی، کلینی، ج ۱، ص ۱۲.